

# کاربردی ساختن آموزش تاریخ

دکتر عبدالرسول خیراندیش

این خواسته که «تاریخ» باید جنبه کاربردی پیدا کند، در سال‌های اخیر فراوان تکرار می‌شود. چنین خواسته‌ای نابجا نیست و این امیدواری را گوشزد می‌کند که بدین ترتیب دانش‌آموزان و دانشجویان با علاقه بیشتری به درس تاریخ خواهند پرداخت. در این جا بدون آن که بخواهیم به موضوع علاقه نداشتن تعدادی از فراگیرندگان به درس تاریخ بپردازیم، این اصل کلی را می‌توان پذیرفت که با نشان دادن سودمندی درس تاریخ در مسیر کار و زندگی، می‌توان بر بخشی از مشکلات مربوط به آموزش تاریخ غلبه کرد. اما کمتر در این مورد که چگونه می‌توان درس تاریخ را کاربردی ساخت، طرح و روشی عرضه شده است. در نتیجه، در فقدان بررسی علمی و فنی، نوعی تلقی ساده‌انگارانه پدید می‌آید که کاربردی ساختن تاریخ آن را همانند دروسی مانند فیزیک و شیمی خواهد کرد یا فنونی چون معماری و مهندسی را تعلیم خواهد داد. این در حالی است که علم «تاریخ» در قدم اول جزو علوم نظری و بنیادی است. لذا به نظر می‌آید که در کلیه شئون و ارکان حیات معنوی و فرهنگی جامعه، حضوری نامحسوس دارد. این نامحسوس بودن برای کسانی است که دانش و بینش علمی از تاریخ ندارند و نمی‌توانند از ظواهر امور اجتماعی و فرهنگی به عمل آن نفوذ کنند. در واقع، آن دسته از کسانی که از اندیشه و عمل انسانی در کی ساده و سطحی دارند، حضور و تأثیر تاریخ در زندگی اجتماعی و فرهنگی، برایشان اثبات نشده باقی می‌ماند. شایان ذکر است که در جوامع سنت‌گرا که سطح آموزش و سوادآموزی اندک بوده، این ناآگاهی بیشتر بوده است. در جوامع مدرن و پیشرفته، از جمله خصوصیات که داشته و دارند، این است که توسعه دانش تاریخ و تعمیق بینش تاریخی از امور اساسی به شمار می‌آید. در چنین حالتی، توقع از تاریخ آن است که سطح آگاهی و خودآگاهی جامعه را نسبت به خویش، از گذشته تا حال و آینده هم موجب شود و ارتقا بخشد. از سوی دیگر، به صورت تعلیم و تربیت، اندیشه و رفتار همگان را تحت تأثیر قرار دهد و رفتار مطلوب و مورد نظر جامعه را در افراد آن به وجود آورد. این رفتار مطلوب، حس هم‌بستگی اجتماعی، علاقه‌مندی به آب و خاک، عدالت‌خواهی، حقیقت‌پرستی و... است. تحقق چنین امری در احاد افراد جامعه، از اهداف و وظایف درس تاریخ است و مختص و محدود به متخصصان رشته تاریخ نیست، بلکه زمینه عمومی تعلیم و تربیت به شمار می‌آید. از این روست که تمامی نهادهای تعلیم و تربیت در سراسر جهان، آموزش تاریخ را جزئی لازم از آموزش در کنار زبان ملی، جغرافیا، ریاضیات و... می‌دانند. بدین ترتیب، پرواضح است که حتی همان اصول و اهداف معروف و متداول علم تاریخ، اگر به واقع تحقق یابد، وجه کاربردی آن به مقدار بسیار زیادی حاصل شده است و



**آن دسته از کسانی که از اندیشه و عمل انسانی در کی ساده و سطحی دارند، حضور و تأثیر تاریخ در زندگی اجتماعی و فرهنگی، برایشان اثبات نشده باقی می ماند**

نباید در این زمینه دچار سطحی نگری شد.

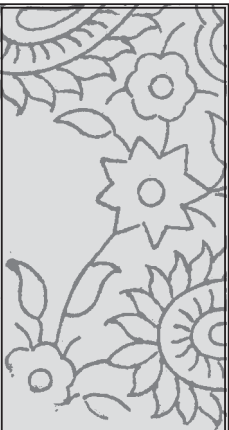
اما علاوه بر همه این‌ها لازم است به این پرسش توجه داشت که سطح اندک کاربردی بودن تاریخ، آیا به علم تاریخ مربوط است یا به کسانی که باید آموزه‌های آن را به کار گیرند و نمی گیرند؟

درس تاریخ در سطوح گوناگون تحصیلی، در هر حال حجم و ساعت محدودی دارد و نمی تواند همه مطالب را به تفصیل و مطابق نیاز کامل همگان مطرح سازد. اما با همین اندازه دانش تاریخ که به همگان عرضه می شود، آیا آن‌ها طی تصدی مشاغل گوناگون، قدمی برای به کار بردن آموزه‌های تاریخ در فعالیت‌های شغلی و حتی زندگی شخصی و اجتماعی خود برمی دارند؟ واقعیت آن است که انتظار بحق و بجای کاربردی ساختن تاریخ، در قدم اول به معلم و درس و دانش آموز کلاس تاریخ مربوط نیست، بلکه لازم است مردم هر کشور، بخصوص سطوح بالای مدیران و دست‌اندرکاران، تاریخ را در اندیشه و عمل خود به عنوان نتیجه تجربه‌های ملت خویش و حتی جامعه انسانی، به کار گیرند. این سخن مشهور است که چه بسیارند عبرت‌ها و چه اندک هستند عبرت گیران. سخنی دیگر نیز هست که بزرگ‌ترین درسی که از تاریخ می توان آموخت، آن است که کسی از تاریخ درس نمی گیرد. این سخنان نشان می دهد که توجه نکردن به تجربه تاریخی، به دلیل کوتاهی کسانی است که تاریخ را نادیده می گیرند. همواره گفته شده است، سیاستمداران، مدیران، برنامه‌ریزان و... باید از تاریخ مطلع باشند و اگر چنین نباشد، ایراد از تاریخ نیست.

با همه این احوال، تاریخ همواره جزئی از زندگی مردمان و مؤثر در کار و اندیشه آنان بوده است. در گذشته‌های دور، شغل‌های منجمی و مورخی توأمان بوده‌اند و بنا بر اعتقادات مردمان روزگار کهن، کلیه فعالیت‌های بزرگ و کوچک، با مشاورت منجمان و مورخان صورت می گرفت. تنظیم تقویم‌ها و محاسبه اعیاد و سال‌ها که نقش بنیادی در فعالیت‌های اجتماعی و انسانی دارد، توسط آنان صورت می گرفت.

حماسه به‌عنوان بخشی اساسی از دانش و فرهنگ تاریخی، از وجوه کاربردی تاریخ بوده و هست. آحاد افراد جامعه، بخصوص کسانی که در دفاع از آن پیشقدم بوده‌اند، با خواندن حماسه‌ها، آمادگی‌ها و تربیت لازم را کسب می کردند و امر دفاع از سرزمین، استقلال، شرافت انسانی و ایمان و اعتقادات، با اتکای به حماسه‌های دینی و ملی صورت می گرفت. برانگیختگی احساس و ایجاد درک لازم برای کسب فضائل انسانی، با بهره‌گیری از حماسه تحقق می یافت. از این روست که مجالس نقلی و روضه‌خوانی و اموری از این قبیل، همواره وجود داشته و کتاب‌های متعددی در این زمینه‌ها پدید آمده است.

یکی از عرصه‌های مهم دانش تاریخ، جغرافیای تاریخی است. این دانش میان رشته‌ای را بعضی تاریخ کاربردی نام داده‌اند. در متون جغرافیای تاریخی، درباره شرایط زندگی و جغرافیای زمان‌های گذشته اطلاعات ارزشمندی وجود دارد. با بهره‌گیری از این اطلاعات، کارهای عمرانی با دقت بیشتری می تواند انجام شود و نیز برای نگه‌داری شهرها، بناها، پل‌ها و دیگر آثار تمدنی، اقدامات لازم صورت گیرد.



امروزه یکی از کاربردی‌ترین وجوه تاریخ، صنعت گردشگری است. دیدار از آثار باستانی، در گردشگری جایگاه مهمی دارد و جمع‌کننده‌ی به‌عنوان راهنما در این بخش فعالیت می‌کنند. ثروتی که از این طریق حاصل می‌شود و اشتغالی که این صنعت به‌وجود می‌آورد، قابل توجه است؛ در عین حال که معرفی تاریخ و فرهنگ گذشته یک ملت را هم در بر دارد.

تولیدات هنری اعم از فیلم، سریال، نمایش، موسیقی، نقاشی و... به میزان قابل توجهی به دانش تاریخی متکی است. بسیاری از آثار هنری اساساً تاریخی‌اند یا با بهره‌گیری از متون تاریخی تولید می‌شوند. تکمیل و توسعه بخش عمده‌ای از آثار هنری به اتکای مواد تاریخی صورت می‌گیرد.

بخش قابل توجهی از ادبیات و عرصه رسانه‌ها را مطالب تاریخی تشکیل می‌دهد. روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، آگهی‌ها، تبلیغات و نیز ایجاد نمادهای عمومی، به میزان زیادی به تاریخ متکی است.

بسیاری از ورزش‌ها سابقه تاریخی دارند و یا با عنایت به رویدادی تاریخی مانند المپیک برپا می‌شوند. تاریخ‌نگاری ورزشی امروزه یکی از اجزای اصلی فعالیت‌های ورزشی است. هر کشوری با مراجعه به تاریخ خویش، ورزش ملی خود را با شناسی و بازسازی می‌کند و آن را در سطحی جهانی مطرح می‌سازد.

حفظ هویت ملی و توسعه و تعمیق آن و در همان حال تحکیم وحدت ملی و صیانت از استقلال و آزادی هر ملت و نیز ایجاد انگیزه و نیروی لازم برای ترقی و تعالی آن، به‌طور مستقیم از آموزش تاریخ بهره می‌گیرد. جامعه بدون هویت، مانند بدن بدون روح است. تاریخ در کنار زبان و ادبیات و فرهنگ و اعتقادات، شکل‌گیری حیات اجتماعی را ممکن و میسر می‌سازد.

در دنیای امروز که نوگرایی، همه چیز را در بر گرفته است، تلاش می‌شود در شهرسازی از معماری سنتی بهره گرفته شود تا بدین ترتیب فرهنگ ملی و بنیادهای تاریخی آن حفظ شود. این علاوه بر حفظ و نگهداری بافت سنتی شهرها و حمایت از مشاغل سنتی است. تحقیق در معماری قدیم و فنون شهرسازی و شهرداری گذشتگان، بخشی از فعالیت‌های علمی را تشکیل می‌دهد.

نام‌گذاری خیابان‌ها، کوچه‌ها، میدان‌ها، بزرگراه‌ها، سدها و مکان‌های بزرگ عمومی با توجه به افتخارات تاریخی اعم از شخصیت‌ها و وقایع صورت می‌گیرد. تاریخ منبع الهام ملت‌ها برای نام‌گذاری‌ها، ایجاد نمادها و سرانجام شکل دادن به وحدت روحی و جمعی مردم جامعه است.

حل و فصل بخشی از مشکلات زندگی در دنیای مدرن، مانند بحران‌های زیست محیطی، رشد جمعیت، تغییرات شدید آب و هوایی، انقراض گونه‌های زیستی، صیانت از خرده فرهنگ‌ها، نگهداری از حافظه جهانی و مواردی از این قبیل، به میزان زیادی با تحقیقات تاریخی صورت می‌گیرد. شناخت مشکلات دنیای امروز، با اطلاع از ریشه‌های آن‌ها در زمان‌های گذشته میسر است.

با پیدایش و گسترش تاریخ‌نگاری آنالز، مباحث تاریخی از مقولات سیاسی و سندی به سمت مسائل روزمره زندگی سوق داده شده است. امروزه در نتیجه چنین رویکردی، مباحث ریز و درشت زندگی روزمره و ابزار و امکانات مورد استفاده همگان، در عرصه تحقیقات تاریخ‌نگاری وارد شده است. این امر، رابطه بهتری میان افراد جامعه با محیط کار و کسب و بهبود شیوه‌های زندگی ایجاد کرده است.

گسترش تاریخ‌نگاری شفاهی که با کاربرد ارزان و فراوان وسایل صوتی و تصویری ممکن می‌شود، موجب گردیده است تا هر کس با هر سطحی از دانش، بتواند از محیط پیرامون خود و نیز زندگانی خویش مطلبی برای این نوع تاریخ‌نگاری داشته باشد. بخصوص این امر پیوند

با پیدایش و گسترش تاریخ‌نگاری آنالز، مباحث تاریخی از مقولات سیاسی و سندی به سمت مسائل روزمره زندگی سوق داده شده است. امروزه در نتیجه چنین رویکردی، مباحث ریز و درشت زندگی روزمره و ابزار و امکانات مورد استفاده همگان، در عرصه تحقیقات تاریخ‌نگاری وارد شده است

گسترده‌ای میان تاریخ‌نگاری و مردم‌شناسی ایجاد کرده است.

به هر حال، به مانند آن‌چه تا این‌جا آمد، بسیار می‌توان ذکر کرد که سخن را به درازا می‌کشاند. اما از مجموع آن‌ها می‌توان این نتیجه را گرفت که کاربردی ساختن آموزش تاریخ، خواسته‌ی صحیحی است و تا آن‌جا که به خود رشته و درس تاریخ مربوط باشد، در انجام وظیفه‌ی خویش به‌عنوان علمی یا رویکردهای نظری، تحقیقات بنیادی و ایجاد دانش و ارزش و بینش مطابق با اهداف تاریخ، کارایی لازم را دارد. اما به‌منظور توسعه و تکمیل آن، لازم است کسب مهارت‌هایی را به آموزش تاریخ ضمیمه ساخت. مثل همراه ساختن هنر، ادبیات، روزنامه‌نگاری و علوم گوناگون در سطح محدودی.

می‌توان این امر را در دبیرستان اجرا کرد، اما بخصوص در آموزش‌های دانشگاهی، عرصه‌ی گسترده‌ای برای تحقق چنین امری وجود دارد. بدین ترتیب که دروس دانشگاهی می‌تواند به دو دسته‌ی مه‌اد (اصلی) و که‌اد (فرعی) تقسیم شود و امکان داده شود که هر دانشجو، هم‌چنان که در رشته‌ی اصلی خود (مه‌اد) که این‌جا منظور تاریخ است، تحصیل می‌کند، دانش و مهارت مکمل یعنی که‌اد مانند هنر، ادبیات، علوم طبیعی و امثال آن را فرا گیرد و از تلفیق دانش، بینش و روش تاریخی با مهارت کسب شده، نوعی رویکرد و تلقی کاربردی در عرصه‌ی کار و زندگی برای خویش فراهم سازد. جز این، امروزه در سطوح مدیریت‌های کلان سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی و نیز در خانواده، مدرسه، ورزشگاه‌ها و... اقدامات ساده‌ی تاریخ‌نگاری که به صورت ثبت و ضبط رویدادها و آمارها و نیز ایجاد یادگاری‌هاست، به‌عنوان دانش تاریخ کاربرد دارد.

